

فعالیت سایت و کانال تلگرامی دکتر محسن رنانی تا نتیجه نهایی رسیدگی قضائی تعلیق شده است

تعلیق قلم

عباس عبدی؛ خواستار رسیدگی عادلانه، شفاف و با حضور هیئت منصفه و مطبوعات در دادگاه دکتر رنانی هستیم

وحیده کریمی: «فعالیت سایت و کانال تلگرامی دکتر محسن رنانی تا نتیجه نهایی رسیدگی قضائی تعلیق شد»؛ خبری که بعد از حذف ۲۳ مقاله از سایت او که سبب تشکیل پرونده قضائی برایش شده است، کمی دور از انتظار بود اما در نهایت اصل خبر تعلیق که نشان از گرفتن قلم یک اندیشمند تحت فشارهای وارده دارد، تأیید شد. برای دستیابی به آنچه در این مدت بر محسن رنانی گذشته است که منجر به چنین تصمیمی شده، تلاش بسیاری کردیم با ایشان گفت‌وگویی داشته باشیم که موفق نشدیم، اما در پی جست‌وجوهایی که داشتیم و حسب اطلاعاتی که توانستیم کسب کنیم، متوجه بخشی از جزئیات پرونده و اتهامات ایشان شدیم.

ماجرای پرونده محسن رنانی چیست؟

طبق اطلاعات کسب‌شده، «بعد از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم، در اسفهان مراجع انتظامی و امنیتی شکایتی علیه محسن رنانی را ثبت کردند». هر چند ما دسترسی به متن شکایت و جزئیات پرونده نداشته‌ایم.

انتشار خبر تصویب لایحه اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مشتمل بر یک مقدمه توجیهی و ۱۸۸ ماده اصلاحی در جلسه مورخ ۱۴۰۳/۶/۲۸ هیئت‌وزیران و الزامی شدن حضور وکیل در در تمام دعاوی مدنی اعم از نخستین، واخواهی، تجدیدنظر و فرجام، خوش‌بینی را در بین وکلا ایجاد کرده است که گره مشکل‌بی‌کاری و کم‌کاری ایشان رو به گشایش بگذارد اما، مطالعه و تحلیل آثار این الزام نه تنها امکان تصویب آن را از سوی مجلس کاهش می‌دهد بلکه، بر فرض تصویب خط بطلانی بر رؤیای زندگی همراه با آسودگی و رفاه اقتصادی وکلا خواهد کشید. در وضعیتی که درآمد عموم شهروندان پایین و تعداد وکلا زیاد است، اشخاص حقوقی امکان استفاده از نماینده حقوقی (اشخاص فیروکیل) را دارند و سیستم معاضدت قضائی نسبتاً رایگان توسط کانون‌های وکلا ارائه می‌شود، الزامی شدن وکالت در دعاوی واقعا چه آثاری بر تصمیم شهروندان جهت مراجعه به وکیل دادگستری دارد؟ همچنین، آثار مالی دولت برای پوشش هزینه‌های معاضدت قضائی چیست؟ آیا مجلسی که برای کاهش و انتقال هزینه‌های دولت جهت استخدام فارغ‌التحصیلان حقوق، قانون تسهیل و موازی‌سازی در نهاد وکالت را تصویب و تقویت کرده، آیا حاضر است با تصویب ماده ۲۸ لایحه آیین دادرسی مدنی، مجدداً بار هزینه‌های دولت را افزایش دهد؟ همچنین، دسترسی به سیستم عدالت و تظلم‌خواهی حق بنیادین و مسلم شهروندی است (اصل ۳۴ قانون اساسی) و نقش الزامی شدن وکالت می‌تواند حق دسترسی به عدالت را محدود و تضییق کند. شاید در بدو امر، مراجعه دسته‌ای از شهروندان که توان مالی کافی برای مراجعه به وکیل ندارند، به معاضدت قضائی راه‌حل مشکل باشد. به نظر می‌رسد این تحلیل بدون در نظر گرفتن سایر متغیرها ساده‌اندیشی است، لذا تلاش می‌کنیم برای پاسخ به ابهامات فوق، در چند بند آثار

اما در مسیر تحقیقات خود متوجه شدیم که یکی از عناوین اتهامی او «تبلیغ علیه نظام» بوده است. این پرونده همچنان در دادسرای انقلاب مفتوح بوده و منجر به تصمیم نهایی قضائی هم نشده است. مطابق آنچه ما در این بازه زمانی کسب کرده‌ایم، دکتر رنانی بارها احضار و در مراحل تحقیقات شرکت و از خود دفاع کردند و طبق شنیده‌ها در همین راستا برای حذف مقالاتی که در سال‌های گذشته در سایت بوده، دستور قضائی صادر شده که اگر در آن زمان تمکین نمی‌شد، منتج به فیلترشدن سایت می‌شد. بنابراین دکتر رنانی ۱۷ مقاله جدید دیگر خود را که جزء مدارک اتهامی او در این پرونده بودند، از سایت حذف کرده تا مجموعاً ۲۳ مقاله حذف شوند و از طرفی هر مقاله جدیدی هم که در این مدت توسط ایشان نوشته شده، در نهایت به حجم پرونده و عناوین اتهامی او افزون شده است. بنابراین مسئله فقط مقالات حذفی نیست و مطالب جدید هم بر قطر پرونده افزوده است. بنابراین با اینکه از وجود دستور قضائی برای تعلیق سایت و کانال تلگرامی مطمئن نیستیم، اما طبق

آنجه در پرونده دکتر رنانی مشاهده می‌شود، برخورد متعارف قضائی نیست

در همین راستا، عباس عبدی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در نقد آنچه این روزها بر دکتر رنانی می‌گذرد و نگرانی افکار عمومی از نحوه برخورد با یک اندیشمند به «شرق» گفت: «از نظر من هیچ تفاوتی میان استاد دانشگاه، مسئول، کارگر و فرد عادی در رسیدگی قضائی وجود ندارد. بنابراین به‌هیچ‌وجه دنبال این نیستم که بگویم برای استاد دانشگاه که دلسوز کشور است یا نیست، تمایزی قائل شویم. این اصلا مسئله ما نیست؛ باید برای همه برابری حقوقی حاکم باشد. اما آنچه در پرونده دکتر رنانی مشاهده می‌شود، برخورد متعارف قضائی نیست». این فعال سیاسی که بر اهمیت عدالت قضائی تأکید دارد و مخالف هرگونه تبعیضی در این مسیر است، در ادامه سخنان خود گفت: «ما نمی‌خواهیم تبعیضی برای هیچ‌کس وجود داشته باشد؛ نه برای نیروهای طرفدار حکومت و نه برای استادان دانشگاه یا سایر افراد. ما دوست داریم شرایط

چالش‌های الزامی‌شدن وکالت در ایران



وحیدقاسمی‌عهد

استاد دانشگاه ووکیل دادگستری

نتوانند هزینه‌های مرتبط با استخدام وکیل را تأمین کنند. بر این بنیاد، الزامی‌شدن وکالت به معنای افزایش تقاضا برای خدمات معاضدت قضائی است. این امر می‌تواند هزینه‌های عمومی دولت را برای تأمین این خدمات افزایش دهد. در صورت نبود منابع مالی کافی و الزام وکلا به ارائه خدمات نسبتاً رایگان، می‌تواند منجر به کاهش کیفیت خدمات معاضدت شود.

برای برون‌رفت از این مشکل دولت باید منابع مالی خود را افزایش دهد و همچنین برای ایجاد انگیزه بین وکلای دادگستری جهت ارائه معاضدت حقوقی – قضائی حق‌الزحمه آنها را نیز افزایش دهد. وضعیتی که با فلسفه تصویب قانون تصویب و کاهش هزینه‌های دولت هماهنگی ندارد.

نبود توازن در توزیع وکلا؛ در برخی مناطق کم‌جمعیت یا محروم، وکلای کافی وجود ندارد. در نتیجه، اجرای الزامی‌شدن وکالت ممکن است در این مناطق چالش‌برانگیز باشد.

کاهش حق‌الوکاله وکلا و تداوم بی‌کاری؛ با توجه به تعداد فراوان وکلا و تقاضاهای موجود می‌توان در یک دسته‌بندی کلی پرونده‌ها و دعاوی را از لحاظ اقتصادی به دو بخش دسته‌بندی کرد:

دسته نخست، پرونده‌های ساده و با بار مالی پایین؛ با توجه به اینکه برخی از پرونده‌ها دارای پیچیدگی خاصی نیستند و عموم وکلا فارغ از سن، دانش و مهارت توانایی انجام



عباس عبدی، کارگر شرق

متعارفی حاکم باشد». با توجه به دستور قضائی که منجر به حذف ۲۳ مقاله از سایت دکتر رنانی شده و همین مقالات بخش عمده پرونده قضائی او را هم تشکیل داده است، عبدی با نگاهی به پیشینه انتشارات مقالات در این سایت، سؤال مهمی را مطرح کرد و گفت: «اینکه مقالاتی را که از چند سال پیش منتشر شده اکنون مطرح کنند و برایش پرونده تشکیل دهند، واقعا بی‌معنی و غیرقابل فهم است. اگر مقالاتی که در چند سال گذشته منتشر شده‌اند دارای مشکل و ابهام بودند، چرا در همان زمان موضوع رسیدگی قرار نگرفتند؟ این نشان می‌دهد که مضمون و هدف چیز

آن را دارند، هر چند تقاضا برای داشتن وکیل افزایش می‌یابد اما با عنایت به تعداد زیاد وکلا، می‌تواند قیمت‌ها یا حق‌الوکاله را به طور آشکاری کاهش دهد. بدین نحو، وکلایی که در این حوزه‌ها کار می‌کنند را در بلندمدت دچار مشکلات اقتصادی کند.

دوم، پرونده‌های پیچیده با بار مالی بالا؛ درخصوص پرونده‌های پیچیده، بازار وکالت بازار رقابت انحصاری است. در این بازار شخصیت وکیل علت عمده مراجعه به اوست و قانون عرضه و تقاضا نقش بسیار کمی دارد. چه، هدف مراجعه‌کننده موفقیت در پرونده است و حق‌الوکاله وکیل نیز بخش محدودی از ارزش دعوی را تعیین می‌کند. این حوزه از پرونده‌های حقوقی همواره در دست بخش خاصی از اشخاص بوده و کاهش یا افزایش تعداد وکلا، تغییر تعرفه‌ها و… تأثیرات بسیار محدودی در آن دارند. وکلای باسابقه، تأثیرگذار در پرونده‌ها و متخصص در این بازار فعالیت می‌کنند. به نظر می‌رسد الزامی‌شدن وکیل در این نوع پرونده‌ها بی‌تأثیر است یا تأثیر بسیار کمی دارد.

در نتیجه می‌توان گفت، الزامی‌شدن وکالت راه‌حل قطعی و پایدار برای تضمین اشتغال و سطح درآمد وکلا نیست و شاید در کوتاه‌مدت متضمن آثار مثبتی باشد اما، به علت دستوری‌بودن و دخالت مستقیم دولت در اقتصاد خانوارها، در بلندمدت نمی‌تواند وضعیت را به نحو بنیادینی تغییر دهد. البته، درخصوص تأثیر الزامی‌شدن وکیل در سایر حوزه‌ها می‌توان گفت، چنانچه الزامات مالی و اجرایی این سیاست به درستی مدیریت شود، می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای بهبود نظام قضائی و ارتقای جایگاه و نقش وکلا در جامعه و فرایند دادرسی استفاده کرد. در غیر این صورت، ممکن است این سیاست موجب فشار مالی بر شهروندان و کاهش اعتماد عمومی به عدالت شود.

ریموندویل

RAYMOND WEIL
GENEVE

millesime
AUTOMATIC SMALL SECONDS

SARMAN Co.

شرکت سرمان

۰۲۱ ۲۲ ۶۱ ۳۷ ۵۲



GPHG

GRAND PRIX D'HORLOGERIE DE GENÈVE

2023

Challenge Watch Prize